

تأملی دوباره بر دوره‌بندی ساخت مسجد جامع شهر یزد براساس اسناد مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسی (از ابتدا تا قرن ششم هجری قمری)*

محمدابراهیم زارعی^I، سید فضل‌الله میردهقان^{II}، حمید عزیزی بندرآبادی^{III}،

ابراهیم کاظم‌نژاداصل^{IV}

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2018.14416.1634
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۳
(از ص ۱۵۷ تا ۱۷۴)

چکیده

مسجد جامع شهر یزد، یکی از بناهای مهم تاریخی کشور می‌باشد که در طی دوره‌ی هزارساله توسط حکومت‌های مختلف گسترش یافته است. متون محلی یزد به شکل‌گیری این مسجد در طول دوره‌های مختلف اشاره دارند که در هر دوره بخش‌هایی تکمیل یا به آن اضافه شده است. ماکسیم سیرو، یکی از اولین کسانی است که تحقیقات جامعی را درباره‌ی این بنا انجام می‌دهد که منبعی برای پژوهشگران بعدی می‌شود؛ او چهار دوره برای شکل‌گیری بنای اولیه‌ی مسجد جامع ارائه می‌کند که با گفته‌های متون و داده‌های باستان‌شناسی تناقض دارد. لذا این پژوهش سعی دارد به بازنگری در دوره‌بندی تاریخی ساخت این بنا بپردازد. برای تحقق این هدف، در ابتدا به مطالعات کتابخانه‌ای و گردآوری اطلاعات تاریخی لازم به‌ویژه از متون محلی یزد پرداخته شده و سپس داده‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی در کنار متون تاریخی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. مهم‌ترین سؤالات مطرح شده عبارتند از: ۱. آیا می‌توان وجود آتشکده در محل فعلی مسجد جامع را اثبات کرد؟ ۲. با توجه به داده‌های موجود، ساخت مسجد جامع یزد به چه دوره‌ای باز می‌گردد؟ نتایج به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر وجود آتشکده در شالوده‌ی بنای مسجد جامع یزد وجود ندارد؛ همچنین می‌توان سه دوره‌ی ساخت را برای این بنا در نظر گرفت؛ در دوره‌ی اول، علاءالدوله کالنجار به ساخت مسجدی اقدام می‌کند که در متون یزد هم از آن به‌عنوان «مسجد جامع عتیق» و هم «مسجد جامع قدیم» یاد شده است. در دوره‌ی دوم، علاءالدوله گرشاسب الحاقاتی را به مسجد ساخته‌شده توسط علاءالدوله کالنجار اضافه می‌کند؛ همین امر سبب شده متون محلی، وی را نیز به‌عنوان یکی از سازندگان مسجد معرفی کنند. در دوره‌ی سوم، جماعتخانه‌ی دختران در کنار مسجد قدیم یا عتیق ساخته می‌شود و بانیان نیز بقعه‌ای را در کنار آن جهت مدفن خود بنا می‌کنند که مدفن آن‌ها امروزه نیز موجود است.

کلیدواژگان: مسجد جامع یزد، تاریخ‌گذاری مسجد، متون و منابع محلی، شواهد باستان‌شناسی، سفال.

I. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده‌ی مسئول).
mohamadezarei@yahoo.com
II. استادیار گروه ایران‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا.
III. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران.
IV. کارشناس ارشد باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.

مقدمه

مسجد جامع شهر یزد، یکی از مهم‌ترین بناهای تاریخی شهر یزد است. این مسجد در طی هزارسال و توسط سلسله‌های مختلفی که در یزد حکومت می‌کردند احداث و تکمیل شده که از این حیث دارای اهمیت بسیار زیادی است؛ اگرچه از دوره‌های ابتدایی ساخت این مسجد، که در منابع با عنوان «مسجد جمعه قدیم» از آن یاد شده (کاتب، ۱۳۴۵: ۶۲) بخش‌های بسیار کمی برجای مانده (تصاویر ۴-۱ و نقشه ۱)، ولی بخش‌های دیگر، که به «مسجد جمعه نو» معروف است، هنوز پابرجا هستند که می‌توان به فضای ایوان و گنبدخانه، سردر، مناره‌ها و غیره اشاره کرد. درباره‌ی وضعیت و دوره‌های اولیه‌ی ساخت این بنا تاریخی ابهامات بسیار زیادی وجود دارد، به طوری که در این باره در بین متون محلی یزد نیز، در برخی از موارد، تناقضاتی دیده می‌شود. عامل دیگر در دامن‌زدن به ابهامات موجود، مرمت‌های صورت‌گرفته در دهه‌ی ۱۳۳۰ ه.ش. می‌باشد که علاوه‌بر از بین رفتن کامل بخش‌هایی از مسجد که گویا قدیمی‌تر از سایر قسمت‌ها بوده (Siroux, 1947: 173)، گزارش دقیقی از فعالیت‌های مرمتی نیز ارائه نشده است.

پرسش‌های پژوهش: ۱. آیا می‌توان وجود آتشکده در محل فعلی مسجد جامع را اثبات کرد؟ ۲. براساس شواهد معماری و همچنین متون محلی یزد، ساخت مسجد جامع اولیه‌ی یزد به کدام دوره‌ی تاریخی بازمی‌گردد؟
روش پژوهش: این پژوهش سعی دارد با روش تاریخی، توصیفی-تحلیلی به بازنگری در دوره‌بندی ساخت بناهای اولیه‌ی مسجد جامع شهر یزد بپردازد.

پیشینه‌ی پژوهش

مسجد جامع شهر یزد، به دلیل اهمیت بسیار زیاد خود، همواره مورد توجه محققین بوده است. یکی از تحقیقات مهمی که در باب مسجد جامع شهر یزد صورت گرفته، مقاله‌ای تحت عنوان «مسجد جامع شهر یزد» تألیف ماکسیم سیرو می‌باشد؛ در این مقاله، بخش‌های مختلف مسجد جامع، بررسی و به طور مفصل معرفی گردیده و در عین حال از سنت شفاهی نیز در راستای شناخت بهتر، استفاده شده است (Siroux, 1947: 119 - 154). در نهایت بیست دوره‌ی مختلف در ساخت این مسجد معرفی گردیده که چهار دوره‌ی اول آن مربوط به شکل‌گیری دوره‌های اولیه‌ی ساخت این مسجد می‌باشد (نقشه ۱).

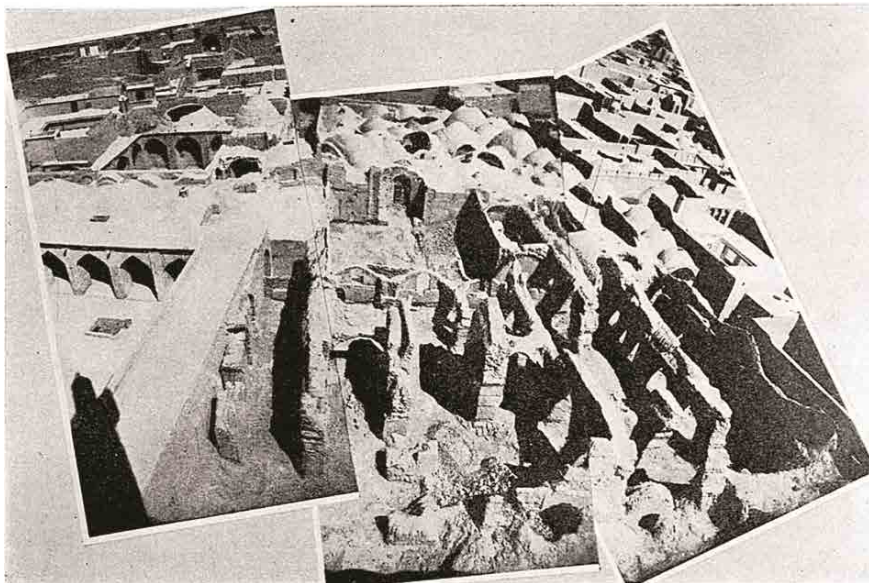
مقاله‌ی دیگری توسط علی جندقی یزدی در باب مسجد به چاپ رسیده، که وی اشاره‌ی بسیار کوتاهی به مسجد قدیم داشته و بانی آن را علاءالدوله کالنجار می‌داند (۱۳۲۷: ۷۸). ایرج افشار نیز در *یادگارهای یزد*، به بررسی کامل مسجد پرداخته است؛ اگرچه وی به استناد جعفری در تاریخ یزد، به وجود آتشکده‌ای مربوط به دوره‌ی ساسانی اشاره، و نظری موافق ماکسیم سیرو، عرضه کرده است (۱۳۷۳ ج ۲: ۱۱۱)، ولی بررسی اثر جعفری (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که هیچ‌گونه اشاره‌ای مبنی بر وجود آتشکده در جایگاه مسجد در این کتاب وجود ندارد. افشار، همچنین بانی مسجد قدیم را «علاءالدوله گرشاسب بن علی فرامز بن علاءالدوله کالنجار» می‌داند (افشار، ۱۳۷۳ ج ۲: ۱۱۱).



► تصویر ۱. بقایای مسجد جامع عتیق یا قدیم در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (سازمان نقشه‌برداری کشور).

یکی از تحقیقات جامعی که در دوره‌های اخیر درباره‌ی این بنا صورت گرفته مقاله‌ای تحت عنوان «بناهای اولیه مسجد جامع کبیر یزد: بررسی تاریخچه مسجد جامع کبیر یزد» به نگارش صدیقه گلشن (۱۳۷۷) است؛ مؤلف در این مقاله با استناد به مقاله‌ی ماکسیم سیرو و متون محلی یزد به بررسی تاریخچه‌ی ساخت این بنا پرداخته و در پایان نیز دوره‌بندی ساخت آن را ارائه می‌دهد. در این دوره‌بندی، اولین دوره‌ی ساخت مسجد را «مسجد جامع اولیه» یا «مسجد جامع عتیق» و یا «مسجد جامع شهرستان» می‌داند که با طرح شبستانی در زمان «عمرولیث صفاری» ساخته شده است (گلشن، ۱۳۷۷: ۱۰۹-۱۰۳).

در سال‌های اخیر نیز تحقیقاتی درباره‌ی این بنا صورت گرفته که مؤلفان، همان دوره‌بندی‌های ماکسیم سیرو و صدیقه گلشن را برای ساخت بناهای اولیه‌ی مسجد جامع یزد ارائه کرده‌اند (خادم‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۴؛ خادم‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۸؛ اسلامی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲-۲۴؛ دهقان چناری، ۱۳۹۰: ۸؛ آزموده و کارگر، ۱۳۹۱: ۸ و ۹).



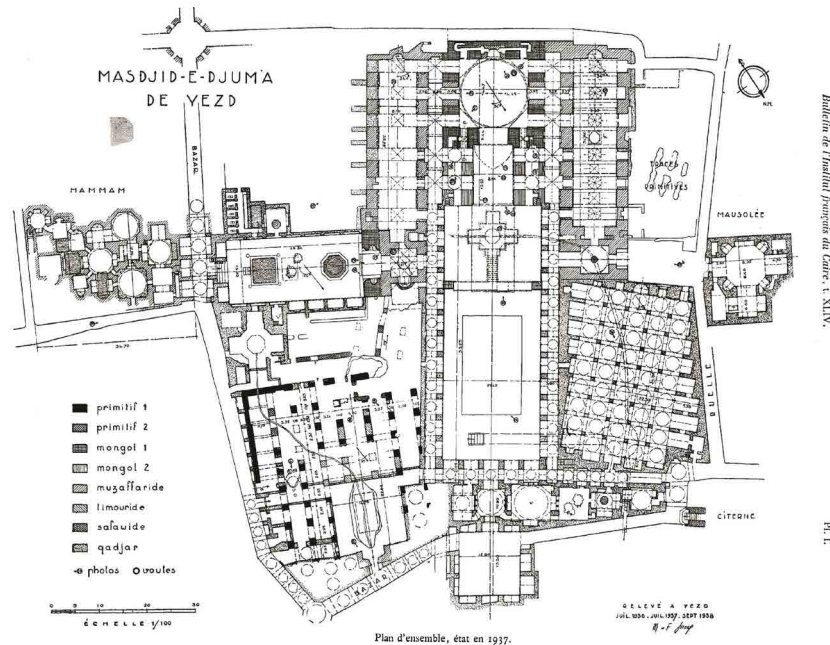
تصویر ۲. بقایای مسجد جامع عتیق (Siroux).
◀ (1947: fig 1).



تصویر ۳. بخشی از آثار باقی‌مانده از مسجد
جامع عتیق (نگارندگان، ۱۳۹۲). ◀



تصویر ۴. وضعیت فعلی مسجد جامع عتیق
(نگارندگان، ۱۳۹۲). ◀



نقشه ۱. مسجد جامع یزد (pl: Siroux, 1947: 172)

(1)

دوره‌بندی ماکسیم سیرو جهت ساخت بناهای اولیه‌ی مسجد جامع یزد

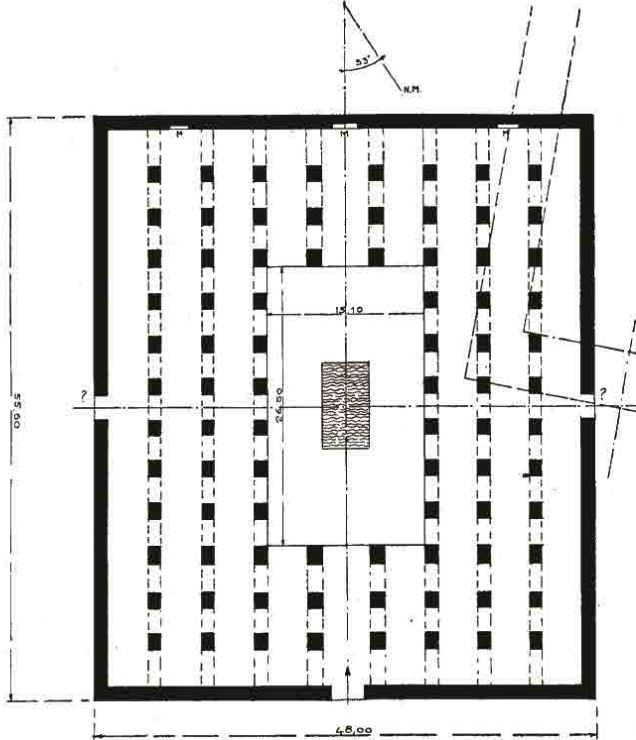
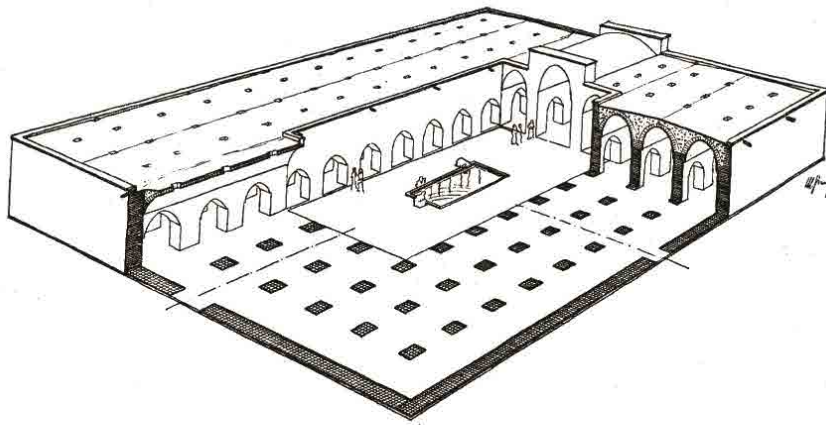
یکی از پژوهش‌های جامع در باب مسجد جامع شهر یزد، رساله‌ی ماکسیم سیرو است که با توجه به از بین رفتن بناهای اولیه‌ی مسجد، می‌تواند کمک شایانی به شناخت آثار مذکور داشته باشد.

ماکسیم سیرو در مقاله‌ی خود، چهار دوره را برای ساخت بناهای اولیه‌ی مسجد جامع یزد پیشنهاد داده که تأثیر زیادی بر محققان بعدی گذاشته است. براساس دوره‌بندی وی، در دوره‌ی اول در جایگاه فعلی مسجد جامع و در قسمت گنبدخانه، آتشکده‌ای مربوط به دوره‌ی ساسانی وجود داشته که در قرن اول هجری قمری و پس از ورود مسلمانان، به‌طور کامل ویران می‌شود؛ وی براساس سنت شفاهی که در بین مردم رایج بوده، این نظر را بیان می‌کند (Siroux, 1947: 172).

در دوره‌ی دوم، مسجدی با طرح بومسلمی در جایگاه فعلی بنا می‌شود (نقشه ۳). سیرو بنای آن را مربوط به دوره‌ی عمرولیث صفاری دانسته که در فاصله‌ی سال‌های ۲۶۵ تا ۲۸۹ ه.ق. صورت گرفته است (Siroux, 1947: 173)؛ وی، این سخن را به تأثیر از گفته‌ی احمد کاتب، از مورخان محلی یزد، بیان می‌کند. کاتب در این باره چنین آورده است: «و عمرولیث به فارس آمد و مسجد عتیق بساخت» (۱۳۴۵: ۵۶).

مسجد در زمان آل کاکویه گسترش می‌یابد که می‌توان آن را دوره‌ی سوم ساخت مسجد به حساب آورد. این کار توسط «ظهیرالدین منصور ابوفرامرز» و همسر وی «ارسلان خاتون» صورت می‌گیرد. آن‌ها الحاقاتی را به مسجد مذکور اضافه کرده که از جمله‌ی آن‌ها احداث پایاب بر سر قنات زارچ است که امروزه در صحن مسجد جامع قرار دارد. الحاقات ظهیرالدین و همسرش در فاصله‌ی سال‌های ۴۴۳-۴۶۹ ه.ق. صورت می‌گیرد که در زمان مؤلف بخش‌های بسیار کمی از آن‌ها باقی بوده

است (Siroux, 1947: 172). همچنین، وی معتقد است که در دوره‌ی قاجار، به بهانه‌ی گسترش صحن مسجد، بخش‌هایی از الحاقات ظهیرالدین تخریب و به مسجد جامع نو اضافه کرده‌اند (Ibid: 176). گلشن (۱۳۷۷: ۱۱۰) نیز، همانند سیرو، معتقد است که ظهیرالدین ابومنصور تعمیرات و نوسازی‌هایی را در مسجد صفاری انجام داده و آن را توسعه می‌دهد. وی تاریخ حکومت ظهیرالدین را ۴۴۳-۴۵۴ ه.ق. می‌داند (همان: ۱۱۰). در دوره‌ی چهارم پیشنهادی ماکسیم سیرو، دختران «فرامرزن بن علی گرشاسب» اقدام به ساخت جماعت‌خانه در کنار مسجد آل کاکویه می‌کنند و بقعه‌ای را جهت مدفن خود در کنار آن ایجاد کردند که تا قرن نهم ه.ق، به جز یک دیوار، مابقی اجزا به طور کامل تخریب شده بودند (نقشه ۲)، (Ibid: 155).

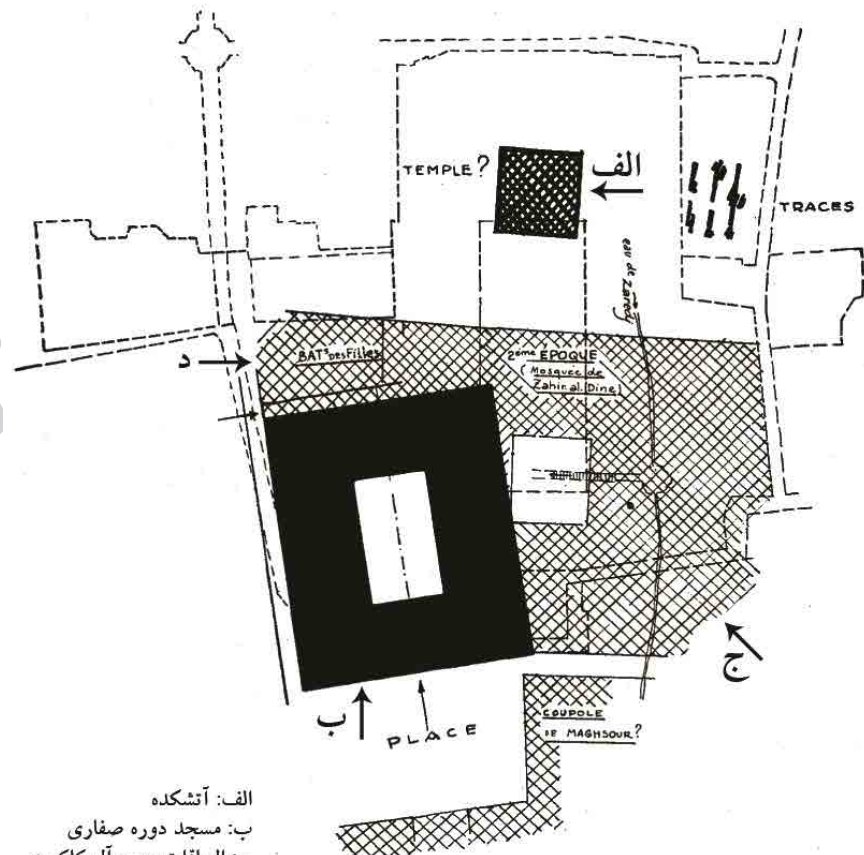


نقشه ۲. مسجد جامع عتیق (fig: Siroux, 1947)

◀ (3)

روند شکل‌گیری مسجد جامع با توجه به متون تاریخی

براساس گفته‌های متون محلی یزد، اولین حاکم آل کاکویه «علاءالدوله کالنجار» است که پس از به قدرت رسیدن اقدامات زیادی را برای رونق و گسترش شهر یزد انجام می‌دهد که شرح این اقدامات در متون محلی ذکر شده است. وی به همراه حرم خود «ارسلان خاتون» که با پادشاه سلجوقی نسبت خویشاوندی داشت، وارد شهر یزد می‌شوند. علاءالدوله دارای چهار سرهنگ بود که، بنا به گفته‌ی جعفری، مسجد جمعه را در شهرستان ایجاد کردند (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۶)؛ اما روایت ساخت مسجد مذکور توسط این چهار سرهنگ تنها در تاریخ یزد جعفری ذکر شده و مورخین دیگر یزد، همچون کاتب و مستوفی بافقی به این مسئله اشاره‌ای نداشته‌اند. لفظ «شهرستان» نیز در این عبارت جعفری اشاره به مجموعه‌ی محلاتی دارد که در داخل حصار شهر یزد قرار داشته‌اند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به محلات: وقت‌الساعت، شاه ابوالقاسم، فهادان و... اشاره کرد. کاتب نیز به ساخت مسجد اشاره کرده، اما شخص علاءالدوله کالنجار را به عنوان سازنده‌ی مسجد معرفی می‌کند: «و علاءالدوله مسجد قدیم ساخت بر در ده... و بر سر گنبد مناری بساخت و بر تحت مسجد نقبی بر سر آب زارچ بکند و مردم شهر از آن پیوسته مستفیض می‌گردند و آن مناره بر سر گنبد تا سال هشتصد و پنجاه و نه هجری بود و نشانه‌گاه مسافران است و با مسجد



الف: آتشکده
ب: مسجد دوره صفاری
ج: الحاقات دوره آل کاکویه
د: جماعتخانه دختران

► نقشه ۳. جانمایی دوره‌بندی پیشنهادی
ماکسیم سیرو (Siroux, 1947: fig 13).



تصویر ۵. ایوان و گنبدخانه پس از پایان عملیات حفاری و سازه‌ی خشتی به‌دست‌آمده در فضای ایوان (کاظم‌نژاد و میردهقان، ۱۳۹۲: ۲۴۳). ◀

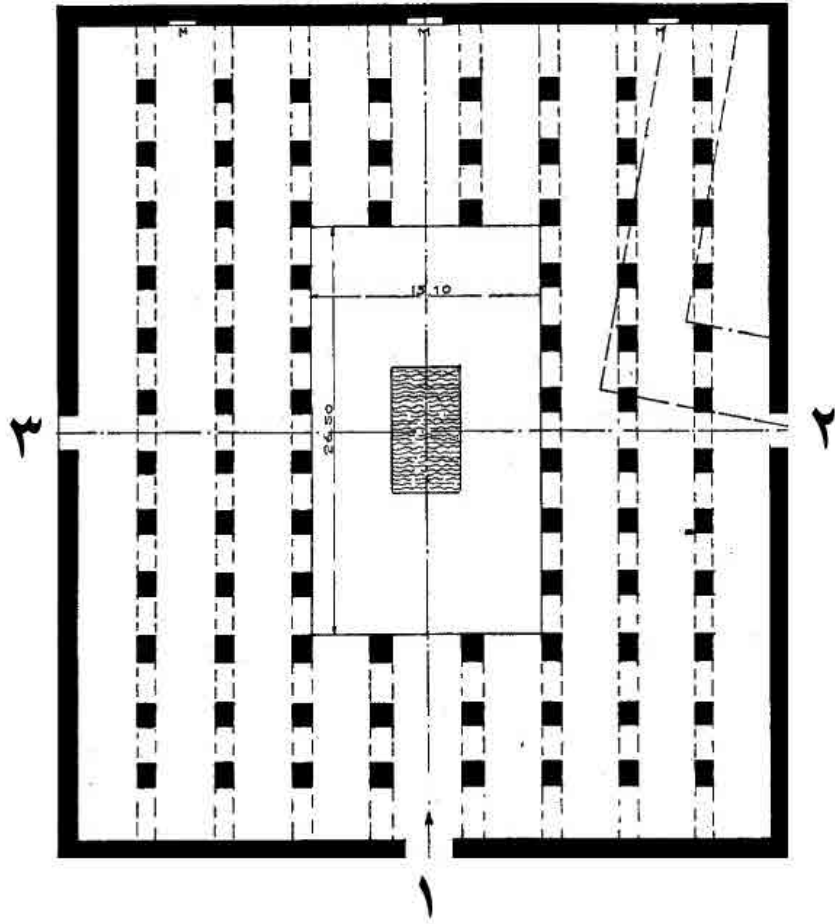
جمعه نو متصل است و علما و موالی در این مسجد بیشتر اوقات معتکف باشند و در جمعه جماعت گزارند» (کاتب، ۱۳۴۵: ۶۲). نقب مذکور اشاره به «پایاب قنات زارچ» دارد که امروزه در حیاط مسجد جامع قرار دارد.

غیر از مسجد جمعه قدیم، متون محلی یزد به مسجد دیگری اشاره می‌کنند که توسط علاءالدوله گرشاسب بن علی بن فرامرز بن سلطان علاءالدوله کالنجار احداث شده و به مسجد عتیق معروف بوده است (مفیدی ۱۳۸۵ ج ۳: ۶۴۳؛ کاتب، ۱۳۴۵: ۱۱۴). این مسجد تا دوره صفوی پابرجا بوده و مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت (مفیدی، ۱۳۸۵ ج ۱ و ۲: ۸۰). کاتب نیز به سه در برای ورود به مسجد اشاره می‌کند: «... و سه درگاه بروی نهاده: یکی برابر صفا مقصوره و یکی برابر بازار کلاه‌دوزان قدیم و یکی به طرف مدرسه کمالیه» (۱۳۴۵: ۱۱۴). همچنین، وی اشاره می‌کند که مسجد عتیق و مسجد جدیدی که بعداً توسط «سید رکن‌الدین» احداث شد، به یکدیگر متصل بوده‌اند (همان: ۱۱۶).

در اینجا ذکر چند نکته ضروری است:

۱. همان‌طور که کاتب نیز اشاره می‌کند، مسجد عتیق دارای سه در بوده که هر کدام به نامی معروف بوده‌اند (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۱۴). این توصیف با پلان مسجد جامع، که به اعتقاد ماکسیم سیرو در دوره‌ی دوم پیشنهادی وی ساخته شده است، مطابقت دارد (نقشه ۴).

۲. با دقت در گفته‌های متون محلی می‌توان دریافت که مسجد جامع عتیق



۱: درب روبروی صفا مقصوره
 ۲: درب روبروی بقعه کمالیه
 ۳: درب روبروی بازار کلاه‌دوزان

► نقشه ۴. مسجد جامع قدیم یا عتیق با
 جانمایی درهای دوره‌ی آل‌کاکویه (برگرفته از:
 Siroux, 1947: fig 3).

و قدیم، هر دو به یک بنا اشاره دارند. مستوفی بافقی در جایی، ساخت مسجد جمعه قدیم را به علاءالدوله گرشاسب نسبت می‌دهد (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵ ج: ۱: ۸۰)، اما وی اشاره می‌کند که این مسجد به مسجد عتیق نیز شهرت دارد (همان: ۸۰). وی در جای دیگر سازنده‌ی همان مسجد جامع عتیق را علاءالدوله کالنجار ذکر می‌کند (۱۳۸۵ ج: ۳: ۶۸)؛ کاتب نیز ذکر می‌کند که مسجد عتیق، همان مسجد قدیم است: «و بدان که مسجد قدیم را عتیق خوانند» (۱۳۴۵: ۱۱۴). کاتب نیز علاوه بر نسبت دادن ساخت مسجد به علاءالدوله گرشاسب، به ساخت بقعه‌ای اشاره می‌کند که در کنار مسجد جامع قدیم قرار داشته و سازنده‌ی مسجد را علاءالدوله کالنجار معرفی می‌کند: «و در جنب مسجد جمعه قدیم که آن از استحداث علاءالدوله کالنجار بود جماعت‌خانه [ی] مروح ساختند جهت زمستان‌خانه [ی] مسجد و در جنب جماعت‌خانه گنبدی جهت مدفن خود ساختند و در آنجا مدفونند» (۱۳۴۵: ۶۶)؛



تصویر ۶. لایه‌ی چیلو (خاک بکر) در کف گنبدخانه‌ی مسجد (کاظم‌نژند و میردهقان، ۱۳۹۲: ۲۴۳).



تصویر ۷. کرسی ایجاد شده برای ساخت مسجد (کاظم‌نژند و میردهقان، ۱۳۹۲: ۲۴۳).

وی، همین عبارات را برای مسجد ساخته شده توسط علاءالدوله گرشاسب آورده است که به گفته‌ی وی به «مسجد عتیق» نیز شهرت دارد (۱۳۴۵: ۱۱۴). در جبهه‌ی جنوب‌غربی شبستان تابستانی که در دوره‌ی پهلوی دوم به جای مسجد قدیم یا عتیق ساخته شده، محوطه‌ای وجود دارد که قبور دختران در آن مشهود است. در کنار این قبور هنوز آثار و بقایای این جماعت‌خانه را می‌توان مشاهده کرد که آثار رنگ لاجورد در برخی از قسمت‌های آن قابل مشاهده است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که متون محلی یزد از هر دو لفظ قدیم و عتیق برای معرفی بناهای اولیه‌ی مسجد جامع شهر یزد استفاده کرده‌اند که در جایی سازنده‌ی آن را علاءالدوله کالتجار و در جایی دیگر علاءالدوله گرشاسب معرفی می‌کنند.

ذکر مسجد جامع در: وقف‌نامه‌ی جامع‌الخیرات

وقف‌نامه‌ی جامع‌الخیرات، یکی از قدیمی‌ترین منابعی است که کمک زیادی به شناخت جغرافیایی ناحیه‌ی یزد می‌کند. مؤلف این وقف‌نامه، «سید رکن‌الدین» یکی از بزرگان یزد در دوره‌ی اتابکان و آل مظفر بوده که اقدامات زیادی را برای آبادانی این خطه انجام می‌دهد و برای بیشتر بناهایی که خود احداث می‌کند و یا پیشینیان احداث کرده‌اند؛ وقفیاتی را مشخص می‌سازد و شرح آن‌ها را در وقف‌نامه‌ی جامع‌الخیرات آورده است. وی در ابتدای این وقف‌نامه به بناهای ساخته‌شده توسط خود و فرزندش «سید شمس‌الدین» اشاره می‌کند که در این بین، به پنج مسجد می‌پردازد که سه مسجد در شهر یزد و محدوده‌ی مسجد جامع فعلی قرار داشته‌اند: «اما مساجد پنج قطعه است: ۱. مسجد جامع که در داخله [ی] شهر یزد است و آن غیر از مسجد جامع عتیق است واقع در وسط بازار بزرگ در محاذات سرای معروف به کاروانسرای ایازی است. ۲. مسجد جامع یزد که در همسایگی (ابواب‌الخیر) بوده است و آن هم به او (سید رکن‌الدین) منسوب است... ۳. مسجد فوقانی واقع بین عرصه [ی] جامع شهر یزد» (حسینی، ۱۴۰۷: ۱۰).

از بین مساجدی که سید رکن‌الدین در وقف‌نامه‌ی خود از آن‌ها نام می‌برد و در شهر یزد قرار داشته‌اند، می‌توان مسجد اول را همان مسجد جامع نو دانست که توسط وی احداث شده و در دوره‌های بعد تکمیل شده است. دلیل این انطباق نیز وجود کاروانسرای معروف به «ایازی» است که در روبه‌روی آن قرار داشته و در دوره‌ی تیموری توسط «امیرچخماق» تخریب و حمای به جای آن احداث می‌شود (جعفری، ۱۳۸۹: ۶۴). همچنین در قرون میانی اسلامی نیز بازار بزرگ شهر یزد در محدوده‌ی مسجد جامع یزد قرار داشته است و «شاه یحیی مظفری» به ساخت چهارسوق و گسترش این بازار اقدام می‌کند (کاتب، ۱۳۴۵: ۸۷). وی در جایی دیگر از وقف‌نامه نیز به این مسجد اشاره می‌کند که در جنب مسجد جامع عتیق و در مقابل کاروانسرای ایازی قرار دارد (حسینی، ۱۴۰۷: ۱۳۲) که آشکارا به محل وقوع مسجد اشاره دارد (افشار، ۱۳۴۵ ج ۲: ۱۱۶).

ذکر مسجد جامع یزد در متون جغرافیایی

از قرن چهارم هجری قمری جغرافیانگاران مسلمان هنگامی که به ناحیه‌ی یزد می‌پردازند، آن را دارای چهار شهر دانسته که هرکدام از آن‌ها دارای مسجد جامع بوده‌اند: «اما نواحی کوره [ی] اصطخر: ... ناحیت یزد است و آن بزرگترین ناحیه‌هاست آن طرف را و در آن شهرهای چند هست: اول کثه و آن شهر بزرگ آن اقلیم و آن ناحیت است، و میبد و نایین و فهرج و غیر از آن که درین ناحیه چهار منبر است و به هیچ ناحیتی دیگر نیست» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۱). اصطخری درباره‌ی کثه چنین می‌نویسد: «... و اما کثه که حومه [ی] یزد است، شهری است خوش و نزه و با نعمت فراوان و راحت بی‌پایان به کناره [ی] بیابان موضع است و آب و هوای آن خوش و نزه و درست می‌باشد و تمامت روستای آن با خصب و ارزانی و نعمت و دعت هر چه تمام‌ترند و بیشتر بنیاد خانه‌های ایشان از سغ گل است» (همان: ۹۳).

ابن حوقل (۱۳۴۵: ۳۶) نیز همانند اصطخری، شهر کثه را یکی از چهار شهر مهم ناحیه ی یزد می‌داند که در حومه‌ی آن قرار داشته و همان توصیفات اصطخری، با اندکی تفاوت، درباره‌ی آن بیان می‌کند: «از مهم‌ترین شهرهای ولایت اصطخر از سوی خراسان کثه است و آن حومه‌ی [ی] یزد و ابرقو می‌باشد و در طرف کرمان رودان و هریه است که جزء شق کرمان است و در طرف اصفهان کرد و سردن می‌باشد. و اما کثه که حومه‌ی [ی] یزد است شهری است در کنار بیابان و هوای آن خشک و سالم است و مانند شهرهای کوهستان فراخ نعمت است و روستایی دارد که محصول آن ارزان است».

جیهانی (۱۳۶۸: ۱۱۶) نیز توصیف بسیار مختصری از ناحیه‌ی یزد ارائه می‌کند و کثه را به همراه میبد، نایین و فهرج، به عنوان شهرهای مهم این ناحیه معرفی می‌کند.

اصطخری در ادامه‌ی توصیف کثه می‌نویسد: «و نیز شهری در توابع و لواحق آن هست و در آن قلعه‌ای ساخته و در آن قلعه دو دروازه [ی] آهنین کرده: یکی را باب ایزد می‌خوانند و دیگر را باب مسجد جهت آنکه آن در به مسجد جامع نزدیک‌تر است و در آن شهر دو مسجد جامع است و هر دو بر کناره [ی] شهر موضع و مبنی‌اند و آب آن از کاریز بیرون می‌آید...» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

ایرج افشار (۱۳۷۴ ج ۲: ۵۷)، آیتی (۱۳۱۷: ۳۰) و خادم‌زاده (۱۳۸۶: ۲۳۲) کثه و یزد را جدا از یکدیگر دانسته و معتقدند محله‌ی امروزی «کثنویه» همان کثه‌ای است که در متون جغرافیایی و محلی از آن یاد شده است. این محله امروزه یکی از محلات شمال شهر یزد را تشکیل می‌دهد. در پژوهش دیگری که در این رابطه صورت گرفته (مرتضایی و میردهقان: ۱۳۹۳)، با تطبیق توصیفات اصطخری با وضعیت جغرافیایی دشت یزد-اردکان، این نظریه مطرح شده که شهر یزد و کثه دو موقعیت مستقل و جدا از یکدیگر داشته‌اند (همان: ۱۷۲).

اما برخی از محققین معتقدند کثه نام قدیم شهر یزد است و پس از این که در قرون بعد نام یزد را بر روی آن گذاشتند، ولایت را به نام کثه می‌خواندند (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۸۴؛ شواتس، ۱۳۷۲: ۴۴؛ لسترنج، ۱۳۸۶: ۳۰۶؛ جودکی عزیززی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳؛ Lambton, 2007: 557). همچنین این نظر مطرح شده مساجدی که در گفته‌ی اصطخری از آن‌ها نام برده شده یکی به «مسجد شیخی‌ها» اشاره دارد که در محله‌ی فهادان واقع شده و دیگری به «مسجد جامع قدیم» یزد که یکی از درب‌های قلعه به علت نزدیکی با آن به نام «باب مسجد» خوانده می‌شد (جودکی عزیززی و همکاران، ۱۳۹۴). اما لازم به ذکر است که در طی فعالیت‌های باستان‌شناسی که در طی چند سال اخیر در محدوده‌ی مسجد جامع شهر یزد و مسجد شیخی‌ها صورت گرفته، هنوز آثاری که بتوان آن‌ها را با گفته‌های متون جغرافیایی تطبیق داد به دست نیامده است (کاظم‌نژاد، مصاحبه‌شونده: ۱۳۹۵) و بر همین اساس نمی‌توان بناهای اولیه‌ی مسجد جامع یزد را همان مسجد ذکر شده در متون جغرافیایی دانست. علاوه بر این، براساس گفته‌های متون محلی، قدیمی‌ترین تاریخی که برای شکل‌گیری بناهای اولیه مسجد جامع یزد می‌توان

در نظر گرفت، اوایل قرن پنجم ه.ق، همزمان با شروع حکومت آل کاکویه، می باشد درحالی که اصطخری و ابن حوقل از جغرافی دانان قرن چهارم ه.ق. هستند و یقیناً مساجد نام برده شده دارای تاریخی قدیمی تر از قرن چهارم ه.ق. می باشند.

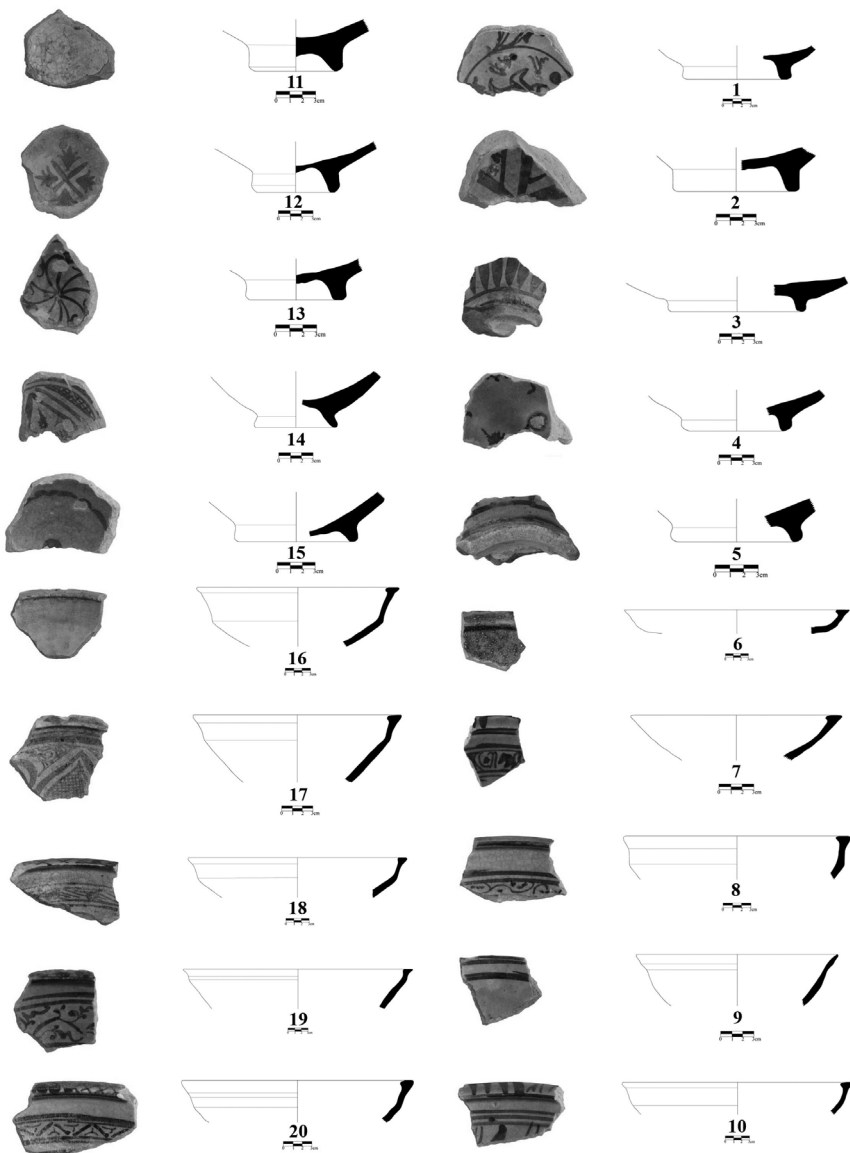
شواهد باستان‌شناسی

در سال ۱۳۹۱ ه.ش.، گمانه‌زنی باستان‌شناختی در محوطه‌ی ایوان و گنبدخانه‌ی مسجد جامع صورت گرفت که تعداد دوازده گمانه در قسمت‌های مختلف ایوان، گنبدخانه و فضاهای جانبی حفر گردید. از این تعداد، شش گمانه در گنبدخانه و سه گمانه در قسمت ایوان حفر گردید که در ادامه گسترش یافتند (کاظم‌نژند و میردهقان، ۱۳۹۲: ۲۴۱ و ۲۴۲). شواهد باستان‌شناسی به دست آمده از این گمانه‌ها، شامل بقایای معماری و داده‌های سفالی متنوع و گوناگون می‌شد. یکی از مهم‌ترین یافته‌های معماری به دست آمده از این کاوش، کشف بقایای سازه‌ی خشتی بود که در مرکز ایوان مسجد جامع قرار داشت. این بنا مستطیل شکل بوده و در زمان گسترش مسجد در دوره‌ی آل مظفر تخریب شده بود. بر روی دیواره‌های آن، آثار اندود کاهگل وجود داشت و کف آن نیز به وسیله‌ی ملاط گچ و ریگ پوشیده شده بود (همان: ۲۴۲)، (تصویر ۵).

در قسمت گنبدخانه نیز گمانه‌های مختلفی در مرکز و جوانب آن حفر گردید. این گمانه‌ها بدون این‌که به شواهد معماری برخورد شود، به خاک بکر رسیدند که در یزد از آن به عنوان «چیلو» یاد می‌شود (تصویر ۶). در کاوش‌های باستان‌شناسی شهر یزد، این لایه به عنوان خاک بکر تلقی می‌شود؛ چراکه در گمانه‌های پیشرو، هیچ‌گونه شواهد فرهنگی به دست نیامده است (کاظم‌نژند، ۱۳۸۴: ۲۰). لذا، اگرچه ماکسیم سیرو در دوره‌ی اول، معتقد به وجود آتشکده‌ای مربوط به دوره‌ی ساسانی در قسمت گنبدخانه می‌باشد، با این‌وجود هیچ‌گونه آثاری مبنی بر وجود آتشکده‌ی ساسانی در قسمت مذکور به دست نیامد (همان: ۲۴۳).

این شواهد با گفته‌های متون محلی مطابقت دارد، چراکه ذکر می‌کنند؛ سید رکن‌الدین پس از خریداری قطعه زمین در این بخش، اقدام به احداث ایوان و گنبدخانه نموده است (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۱۴). به احتمال زیاد، تخریب بنای موجود در قسمت ایوان در دوره‌ی آل مظفر و توسط سید رکن‌الدین صورت گرفته؛ چراکه برای ساخت ایوان در این دوره، کرسی یک‌متری ایجاد کرده و سپس اقدام به پُر نمودن آن کرده بودند و همین امر سبب شده، به منظور تسریع در انجام این عمل، از جمع‌آوری آوارهای موجود جلوگیری کرده و پایه‌های ساختمان را نیز تا ارتفاع یک‌متری حفظ کنند (کاظم‌نژند، مصاحبه‌شونده: ۱۳۹۵)، (تصویر ۷). همچنین در برخی از منابع (افشار، ۱۳۷۴ ج ۲: ۱۱۱) به محلی به نام «تل خاکستر» در نزدیکی مسجد اشاره می‌کنند، اما در مطالعات باستان‌شناختی صورت‌گرفته در محدوده‌ی مسجد و بافت تاریخی شهر یزد تاکنون چنین محلی شناسایی نشده است (کاظم‌نژند، مصاحبه‌شونده: ۱۳۹۵). یافته‌ی مهم دیگر در این کاوش، داده‌های سفالی بود، که بیشترین آن از گمانه‌ی شش این کاوش به دست آمد. حجم بسیار زیادی از

این داده‌ها را سفال‌های بدون لعاب با نقش کنده و همچنین سفال‌های از نوع قلم‌سیاه با تکنیک نقاشی در زیرلعاب تشکیل می‌داد. این نوع سفال از نمونه‌ی سفال‌هایی است که به‌طور گسترده استفاده از آن در بافت تاریخی شهر یزد رایج بوده و مربوط به اواسط دوران میانه‌ی اسلامی بوده است (Jenkins, 1982: 20). بیوار نیز نمونه‌های به‌دست آمده از محوطه‌ی غبیرا را نیز مربوط به دوره‌ی ایلخانی (آل مظفر) و اوایل تیموری دانسته است (Bivar, 2000: 151). نمونه‌هایی از این سفال در محوطه‌های غربی ایران، مانند مجموعه معماری دست‌کند زیرزمینی سامن ملایر نیز به‌دست آمده است (همتی‌ازندریانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). سفالینه با لعاب تک‌رنگ نیز بخش دیگری از داده‌ها بود که دارای رنگ‌های سبز، فیروزه‌ای و قهوه‌ای کم‌رنگ بودند (کاظم‌نژند و میردهقان، ۱۳۹۲: ۲۴۳)، (طرح ۱ و جدول ۱).



طرح ۱. برخی از نمونه‌سفال‌های به‌دست آمده از کاوش مسجد جامع (کاظم‌نژند و میردهقان، ۱۳۹۲: ۳۵۶). ◀

نتیجه‌گیری

مسجد جامع شهر یزد، به دلیل اهمیت بسیار زیادی که دارد، همواره مورد توجه محققان بوده است که هرکدام به نوعی خواستار مطالعه‌ی یکی از ویژگی‌های آن بوده‌اند. در این بین، برخی از آن‌ها تاریخچه‌ی ساخت آن را مورد مطالعه قرار داده و درباره‌ی آن گمانه‌زنی‌های بسیاری کرده‌اند که متقدم‌ترین آن‌ها ماکسیم سیروی فرانسوی است، که شرح آن مفصل ذکر شد؛ اما با توجه گفته‌های متون محلی و داده‌های باستان‌شناسی نمی‌توان دوره‌بندی وی را پذیرفت.

چراکه براساس کاوش‌های باستان‌شناسی که در سال ۱۳۹۱ ه.ش. در قسمت گنبدخانه و ایوان انجام گرفت، هیچ‌گونه شواهدی دال بر وجود آتشکده به دست نیامد؛ همچنین بیشترین نمونه‌سفال‌های به دست آمده از نوع قلم‌سیاه می‌باشند که می‌توان آن‌ها را به قرون میانه اسلامی تاریخ‌گذاری کرد. همین امر باعث می‌شود

► جدول ۱. مشخصات برخی از نمونه‌سفال‌های به دست آمده از کاوش‌های مسجد جامع (کاظم‌نژند و میردهقان، ۱۳۹۲: ۳۵۶).

شماره	خمیره		تزیین	شیوه ساخت	نوع نقش	قدمت
	رنگ	کیفیت				
۱	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۲	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۳	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۴	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۵	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۶	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۷	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۸	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۹	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۰	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۱	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۲	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۳	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۴	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۵	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۶	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۷	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۸	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۱۹	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی
۲۰	نخودی	متوسط	شن و ماسه	گلی نخودی	گلی نخودی	ایلیخانی

تا فرضیه‌ی وجود آتشکده در جایگاه اولیه‌ی مسجد مردود دانسته شود؛ لذا با توجه به نتایج به دست آمده از فعالیت‌های باستان‌شناسی صورت گرفته و داده‌های متون محلی، می‌توان دوره‌بندی ذیل را برای بناهای اولیه‌ی مسجد جامع یزد پیشنهاد داد.

دوره‌ی اول: در دوره‌ی اول، علاءالدوله کالنجار اقدام به ساخت مسجد اقدام می‌کند که این کار احتمالاً توسط سرهنگان وی صورت گرفته است؛ چراکه جعفری به ساخت مسجد توسط آن‌ها اشاره می‌کند. لازم به ذکر است که ساخت بقعه‌ی دوازده امام در سال ۴۲۹ ه.ق. نیز توسط سرهنگان علاءالدوله کالنجار صورت گرفته است. از این مسجد در متون محلی یزد هم به عنوان «قدیم» و هم «عتیق» یاد شده؛ چراکه کاتب و مستوفی به صراحت بیان می‌کنند که مسجد جامع قدیم، همان عتیق می‌باشد. سید رکن‌الدین نیز در وقف‌نامه‌ی جامع‌الخیرات اشاره دارد که مسجد جامع جدید را در کنار مسجد جامع عتیق احداث می‌کند و کاتب نیز آن دو را متصل به یکدیگر می‌داند؛ در نتیجه نمی‌توان آن را ساخته‌ی عمر لیث صفاری در قرن سوم ه.ق دانست. اگرچه در دوره‌های بعد، با وجود مسجد جامع نو، از این مسجد نیز استفاده می‌شد، ولی بخش‌های زیادی از آن تخریب شده بود، به طوری که در قرن نهم ه.ق. هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شد.

دوره‌ی دوم: دوره‌ی دوم دوره‌ای است که علاءالدوله گرشاسب الحاقاتی را به مسجد اضافه کرده (احتمالاً بین سال‌های ۵۰۴ تا ۵۲۷ ه.ق.) و آن را گسترش می‌دهد؛ چراکه الحاقات وی در مسجدی صورت گرفته که متون سازنده‌ی آن را علاءالدوله کالنجار معرفی می‌کنند. توصیفاتی که متون محلی درباره‌ی اقدامات وی ارائه می‌کنند، دقیقاً با پلان ارائه شده از مسجد جامع قدیم یا عتیق توسط ماکسیم سیرو مطابقت دارد؛ همین امر سبب شده متون محلی وی را نیز به عنوان یکی از سازندگان مسجد معرفی کنند.

دوره‌ی سوم: در سال ۵۳۶ ه.ق.، جماعت خانه‌ی دختران در کنار مسجد قدیم یا عتیق ساخته می‌شود و بانیان نیز بقعه‌ای را در کنار آن، جهت مدفن خود بنا می‌کنند که قبور آن‌ها هنوز در کنار شبستان تازه تأسیس موجود است.

کتابنامه

- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- آزموده، مریم؛ و کارگر، مجتبی، ۱۳۹۱، مسجد جامع کبیر یزد. به کوشش: حسین مسرت، یزد: انتشارات اندیشمندان یزد.
- آیتی، عبدالحسین، ۱۳۱۷، تاریخ یزد یا آتشکده یزدان. یزد: چاپخانه گلپهار، چاپ اول.
- ابن حوقل، ۱۳۴۵، صورة الارض. ترجمه و تصحیح: دکتر جعفر شعار، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
- اسلامی، فاطمه؛ و ازدر، سوسن؛ و خدایی، سید علی اکبر، ۱۳۸۸، شاهکار فیروزه کویر. چاپ اول، انتشارات ورای دانش.

- اصطخری، ابواسحاق، ۱۳۷۳، *مسالك والممالك*. ترجمه‌ی اسعد بن عبدالله تستری، به‌کوشش: ایرج افشار. تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- افشار، ایرج، ۱۳۷۴، *یادگارهای یزد*. جلد ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیرووی، ۱۳۵۸، *تذکره جغرافیایی ایران*. ترجمه‌ی حمزه سردادور، انتشارات توس، چاپ دوم.
- جعفری، جعفر بن محمد، ۱۳۸۹، *تاریخ یزد*. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جندق یزدی، علی، ۱۳۲۷، «مسجد جامع یزد». *مجله یغما*، سال اول، شماره‌ی دوم، صص: ۷۸-۸۳.
- جودکی عزیززی، اسدالله؛ موسوی حاجی، سید رسول؛ و واثق عباسی، زهیر، ۱۳۹۴، «پژوهشی در سیمای شهر یزد در سده‌های نخستین دوره‌ی اسلامی». *مجله پژوهش‌های تاریخی*، سال ۵۱، دوره‌ی جدید، سال ۷، شماره‌ی ۳ (پیاپی ۲۷)، صص: ۳۹-۵۶.
- جودکی عزیززی، اسدالله؛ موسوی حاجی، سید رسول؛ شهبازی، اشکان؛ و رضازاده، اسحاق، ۱۳۹۴، «مسجد شیخی‌ها، بنایی ناشناخته در شارستان کهن یزد». *فصلنامه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دانشگاه بوعلی سینا، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۹، صص: ۱۹۵-۲۰۶.
- حسینی یزدی، سید رکن‌الدین، ۱۳۴۱، *جامع‌الخیرات*. به‌کوشش: محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران.
- حسینی یزدی، سید رکن‌الدین، ۱۴۰۷ هـ.ق، *وقف‌نامه جامع‌الخیرات*. ترجمه‌ی جعفر غضبان، یزد: اداره کل حج اوقاف و امور خیریه استان یزد.
- خادم‌زاده، محمدحسن، ۱۳۸۴، *مساجد تاریخی شهر یزد*. یزد: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- خادم‌زاده، محمدحسن، ۱۳۸۶، *محلات تاریخی شهر یزد*. تهران: نشر سبحان نور با همکاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- خادم‌زاده، محمدحسن، ۱۳۸۷، *معماری دوره‌ی آل مظفر یزد*. تهران: نشر همپا، با مشارکت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- دهقان چناری، مهران، ۱۳۹۰، *مسجد جامع یزد شاهکاری ماندگار*. یزد: انتشارات محمد هادی.
- شواتس، پاول، ۱۳۷۲، *جغرافیای تاریخی فارس*. ترجمه‌ی جهاننداری کیکاوس، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی، ۱۳۴۵، *تاریخ جدید یزد*. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- کاظم نژاداصل، ابراهیم، ۱۳۸۴، «گزارش فصل اول کاوش و گمانه‌زنی بافت تاریخی شهر یزد»، یزد: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

- استان یزد (منتشر نشده).
- کاظم نژند، ابراهیم؛ و میردهقان اشکذری، سید فضل‌اله، ۱۳۹۲، «پیگردی و گمانه‌زنی مسجد جامع شهر یزد». چکیده مقالات سمینار یکروزه مباحث باستان‌شناختی هنر، تهران: فرهنگ و تمدن اسلامی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- گلشن، صدیقه، ۱۳۷۷، «بناهای اولیه مسجد جامع کبیر یزد». مجله صفا، سال ۸، شماره ۲۶، صص: ۹۴-۱۱۹.
- سجادی، صادق؛ و آل داود، سید علی، ۱۳۶۸، «آل کاکویه»، در: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* جلد ۲، زیر نظر: سید محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص: ۱۱۵ - ۱۰۷.
- لسترنج، گای، ۱۳۸۶، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه‌ی محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مستوفی بافقی، محمد مفید، ۱۳۸۵، *جامع مفیدی*. جلد ۱، ۲ و ۳، به کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- مرتضایی، محمد؛ و مردهقان، سید فضل‌الله، ۱۳۹۳، «بازنگری در جایگاه شهر یزد در دوران صدر اسلام با تکیه بر اسناد مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی». فصلنامه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بوعلی‌سینا، سال ۴، شماره ۶، صص: ۱۷۴-۱۵۹.
- همتی‌زندریانی، اسماعیل؛ خاکسار، علی؛ و شعبانی، محمد، ۱۳۹۶، «بررسی و تحلیل سفال‌های دوره‌ی اسلامی مجموعه‌ی معماری دست‌کند زیرزمینی سامن ملایر». فصلنامه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بوعلی‌سینا، شماره ۱۳، دوره ۷ هفتم، صص: ۱۸۹-۲۰۶.

- Bivar, A. D. H., 2000, *Excavation at Ghubayra Iran*, School of Oriental and African Studies, University of London

- Siroux, M., 1947, "La Masjid-e-Djum'a de Yazd". *Bulletin de l'Institut Français d'Archéologie Orientale*, Vol 44, 119-76.

- Lambton, A. K. S., 2007, "Yazd". In: *Historic cities of the Islamic world* (Vol. 1). ed. Bosworth, C. E. 557 - 566. Brill.

- Jenkins, M., 1983, "Islamic Pottery: A Brief History", *The metropolitan Museum of Art Bulletin*, New Series, Vol. 40, No. 4, pp. 1+4-52